

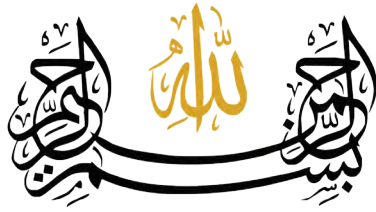
استاد فخر



در نگاه تبیین

سلسله سخنرانی‌های آیت الله مصباح یزدی^(ره)
پیش از خطبه‌های نماز جمعه در دانشگاه تهران

جلسه اول گوهر و گوهرشناس



علم بدون فکر مشکل ساز می شود، علمی که بدون فکر باشد، راه

را غلط می رود. ... توصیه ما به علم را دانشگاه‌ها انصافاً خوب عمل کردند و پیشرفت کردند. بنده به فکر هم خیلی توصیه کردم، مثل اینکه این سخت‌تر است! روی این زمینه مثل اینکه کار مشکل‌تر است و کار زیادی انجام نشد.

یکی از کارهای مهم، اندیشه‌ورزی است؛ توصیه من این است: بنشینید فکر کنید. شماها خوش استعدادید، خوش فکرید، می‌توانید فکر کنید؛ بنشینید فکر کنید. البته فکر کردن راهنما هم لازم دارد، استاد فکر هم لازم دارد. ... فکر «بایدها» و «نبایدها» را معین می‌کند، علم «واقعیت‌ها» را به ما می‌گوید، فکر «بایدها» را به ما می‌گوید، «نبایدها» را به ما می‌گوید؛ این خیلی حساس است. این فکر باید در مسیر درست قرار بگیرد؛ اگر چنانچه فکر را درست مدیریت نکردید، ممکن است به راه خطا برود.

حالا البته من کمتر اسم از افراد می‌آورم، [اما] مرحوم آقای مصباح (رضوان‌الله‌علیه) یک استاد فکر بود ... درباره مسائل فکری یک راهنما و مرشدی بود که می‌توانست مرجع و ملجأ باشد. این‌جور آدم‌ها لازم‌اند که استاد فکر باشند؛ همچنانی که علم استاد می‌خواهد، فکر هم استاد می‌خواهد.

رهبر حکیم انقلاب اسلامی، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

حکیم در سخنگاه تبیین

سلسله سخنرانی‌های حضرت آیت الله مصباح یزدی
پیش از خطبه‌های نماز جمعه در دانشگاه تهران



جلسه اول: گوهر و گوهرشناس

عنوان اثر

حکیم در سخنگاه تبیین

سلسله سخنرانی‌های پیش از خطبه‌های نماز جمعه در دانشگاه تهران

جلسه اول: گوهر و گوهرشناس

تهیه شده در واحد تولید محتوای
معاونت سیاست‌ورزی سازمان بسیج دانشجویی

تدوین‌کننده، حاشیه‌نگار و پژوهشگر

علی نجاتی مهر

طراح جلد و صفحه‌آرا

یاسر امامی‌فر

قیمت

۲۵۰۰۰ تومان

نوبت چاپ

اردیبهشت ۱۴۰۲

چاپ

شرکت پیام آوران نشر روز

نشانی

تهران، خیابان طالقانی، تقاطع خیابان طالقانی و خیابان مفتح،
مجتمع فرهنگی ۱۳ آبان، سازمان بسیج دانشجویی



@geraa_ir



معاونت سیاست‌ورزی

فهرست



مقدمهٔ پژوهشگر	۷
آرزو و امانت همهٔ انبیا و ائمه(ع)، از تحقق خاص تا تحقق تام	۱۱
تحقق خاص و طلیعهٔ تحقق تام	۱۲
نعمتی بی‌سابقه و قدرناشناخته در حجاب معاصرت و معاشرت	۱۳
روایت نعمت	۱۴
راز عظمت	۱۴
دو پاسخ و دو نگرش	۱۹
پاسخ اول؛ پرآوازه و غلط	۲۰
پاسخ دوم؛ کم‌آوازه و صحیح	۲۳
نعمت عظیم و عذاب در کمین	۲۵
طفل، گوهر به تکه نانی دهد	۲۶
سجده کنی به پیش او، عزتِ مسجدت دهد	۳۱

■ مقدمه پژوهشگر

انقلاب اسلامی به‌عنوان «رستاخیز تاریخی انسان پس از قرن‌ها هبوط» و برافراشته‌ساز پرچم اسلام سیاسی و حقیقی در جهان، انقلابی زنده، همه‌جانبه، پیش‌رونده و اساساً فکری است که بر جهان‌بینی توحیدی، تفکر دینی و انقلابی و مکتب اسلام مبتنا دارد. تبعاً هرکس که می‌خواهد حقیقت انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی (به‌عنوان محمل و کالبد جدایی‌ناپذیر مولود انقلاب) را بفهمد و با آن در مسیر الهی مجاهدت و سعادت و ایجاد آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) همراه و همگام باشد باید به همین مکتب (ایدئولوژی)^۱ مجهز و مسلح باشد؛ این مهم با توجه به جنگ ترکیبی همه‌جانبه و تمام‌عیاری که در دوره کنونی علیه جبهه توحیدی انقلاب اسلامی برپا شده است ضرورت و فوریتی افزون نیز می‌یابد.

۱- برخی اندیشمندان (به‌خصوص غربی یا غرب‌محور) مبتنی بر جهان‌بینی و فکر متبوع خود، تعابیری منفی از ایدئولوژی دارند؛ اما آنچه منظور ما از ایدئولوژی است این‌گونه قابل تشریح است: لفظی است مرکب از «ایده+لوژی» به معنای عقیده‌شناسی و به معنی خود عقیده و طرز تفکر هم به کار می‌رود. اما معنای اصطلاحی خاص ایدئولوژی عبارت است از نظام فکری که شکل و طرح کلی رفتار انسان را تعیین می‌کند و به‌عبارت دیگر ایدئولوژی یک سلسله آرای کلی هماهنگ درباره رفتارهای انسانی است و طبق تعریف دیگر، ایدئولوژی، اندیشه‌ای عمل‌زا است. نظام کلی احکام عملی که در اصطلاح مذهبی «فروع دین» نام دارد، ایدئولوژی خوانده می‌شود. در مجموع ارزش و مرتبه انسان و زندگی‌اش و سعادت اخروی او وابسته به شریعت و مکتب (ایدئولوژی) اوست.

با توجه به حساسیت سرنوشت‌ساز موضوع، همواره باید بسیار همت و مراقبت کرد که در این عالم پر از اخبار و خوان‌ها و خوراک‌های رنگارنگ و خوش‌ظاهر و فریبنده اما غالباً سطحی و غیرمنسجم یا التقاطی و مسموم یا آشکارا انحرافی و مهلک، فکرمان را بر سر کدام خوان، می‌نشانیم^۱ و به کدام سخن و گوینده می‌گراییم^۲ بنابراین پیوستن به یک سرچشمه و منبع پاک و زلال فکری، حیاتی و فوری است.

رهبر حکیم انقلاب، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دیدار دانشجویان^۳ ضمن بیانات خود، نکات و تذکرات حکیمانه‌ای در زمینه علم و فکر داشتند: «در دانشگاه دو چیز لازم است: علم و فکر. علم بدون فکر مشکل‌ساز می‌شود، علمی که بدون فکر باشد، راه را غلط می‌رود؛ تبدیل می‌شود به سلاح‌های کشتار جمعی و سلاح اتمی و سلاح شیمیایی و بعضی از پدیده‌های علمی دیگری که بشریت را دارد بدبخت می‌کند؛ علمی که فکر درست همراهش نباشد، و بی‌فکر یا با فکر غلط حرکت کند این می‌شود. توصیه ما به علم را دانشگاه‌ها انصافاً خوب عمل کردند و پیشرفت کردند. بنده به فکر هم خیلی توصیه کردم، مثل اینکه این سخت‌تر است؛ روی این زمینه مثل اینکه کار مشکل‌تر است و کار زیادی انجام نشد. یکی از کارهای مهم، اندیشه‌ورزی

۱- از امام حسن (علیه‌السلام) روایت شده: در شگفتم کسی که درباره خوراک [جسم] خود می‌اندیشد، چگونه درباره خوراک فکر و عقل خود نمی‌اندیشد؟ شکمش را از آنچه زبان‌بار است پرهیز می‌دهد، اما در سینه خود چیزهایی می‌سپارد که مایه نابودی‌اش است. (بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۲۱۸)

۲- از امام جواد (علیه‌السلام) روایت شده: هرکه به سخن‌گویی گوش فراهد، او را پرستش و بندگی کرده است؛ اگر [آن سخنگو] از خدا بگوید، [در واقع] خدا را پرستیده است، و اگر از زبان ابلیس سخن بگوید، ابلیس را پرستش و عبادت کرده است. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری (محدث نوری)، ج ۱۷، ص ۳۰۸)

۳- دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۴۰۱/۲/۶

است؛ توصیه من این است: بنشینید فکر کنید. شماها خوش استعدادید، خوش فکرید، می‌توانید فکر کنید؛ بنشینید فکر کنید. البته فکر کردن راهنما هم لازم دارد، استاد فکر هم لازم دارد. [...] فکر «بایدها» و «نبایدها» را معین می‌کند، علم «واقعیت‌ها» را به ما می‌گوید، فکر «بایدها» را به ما می‌گوید، «نبایدها» را به ما می‌گوید؛ این خیلی حساس است. این فکر باید در مسیر درست قرار بگیرد؛ اگر چنانچه فکر را درست مدیریت نکردید، ممکن است به راه خطا برود. حالا البته من کمتر اسم از افراد می‌آورم، [اما] مرحوم آقای مصباح (رضوان‌الله‌علیه) یک استاد فکر بود [...] درباره مسائل فکری یک راهنما و مرشدی بود که می‌توانست مرجع و ملجأ باشد. این جور آدم‌ها لازم‌اند که استاد فکر باشند؛ همچنانی که علم استاد می‌خواهد، فکر هم استاد می‌خواهد.»

رهبر حکیم انقلاب مصرحاً، مؤکداً و مکرراً به قدردانی از نعمت مغتنم آیت‌الله مصباح یزدی (ره) و استفاده از این مرجع و ملجأ فکر و معرفت رهنمون بوده‌اند و ایشان را «منبع فکر و اندیشه بی‌غل‌وغش معارف اسلامی» و «استاد فکر» معرفی کرده‌اند و حتی در دیدار اخیر خانواده آیت‌الله مصباح یزدی تأکید فرمودند که ایشان از نظر برخورداری از جامعیت در مجموعه‌ای از خصوصیات، بی‌نظیر است.

در طرح «استاد فکر» بناست که پای درس استاد فکر بنشینیم و

۱- مرحوم آقای مصباح (رضوان‌الله‌علیه) یک خصوصیات منحصره فردی داشتند که من در مجموعه فضلی برجسته قم که از قدیم می‌شناختم، و حالا هم بحمدالله برکات بعضی‌شان ادامه دارد، نگاه می‌کنم، جامع این خصوصیات را در کسی مثل مرحوم آقای مصباح مشاهده نمی‌کنم؛ علم فراوان، فکر خوب و نوآور، بیان رسا و واضح، انگیزه تمام‌نشدنی و بی‌نظیر، خلیقیات و رفتارهای شایسته و برجسته، سلوک و معرفت و توجه معنوی و مانند این‌ها؛ مجموع این‌ها را واقعاً انسان نمی‌تواند پیدا کند. این‌ها در آقای مصباح جمع بود. (۱۴۰۱/۱۰/۵)

اندیشه‌مان را در زلال معارف اسلامی این منبع بی‌غل و غش، شست‌وشو دهیم و بسازیم. شایان ذکر است غالباً جزوات و آثاری که در قالب این طرح تدوین می‌شوند اولاً دارای «سندی پژوهی و اسناد» بعضاً اختصاصی هستند که در بدنه متن یا پانویس درج می‌شوند و ثانیاً حاوی حواشی و تعلیقاتی اعم از «شرح و تحلیل و تفسیر» در اشکال گوناگون و «استنادات و منابع و مثال» در پانویس هستند که سعی شده است همگی به شکلی دقیق و متقن و با سخت‌گیری‌های مختلف، تدوین و درج بشوند و بتوانند در درک گسترده‌تر و عمیق‌تر متن مؤثر باشند و بعضاً با طرح موضوعات و مطالبی افزون و مرتبط، در راستای ارتقای معارف یا تصحیح برخی مفروضات، باورها و مشهورات غلط عمل کنند. ضمناً گاهی پانویس‌ها خود نیز واجد تعلیقه و شرح هستند.

به امید آنکه به‌عنوان قدمی کوچک در راستای انجام وظایف و امثال اوامر رهبر حکیم انقلاب، امام خامنه‌ای (حفظه الله تعالی) مقبول پیشگاه مقدس حضرت ولی الله اعظم (ارواحنا فداه و عجل الله فرجه الشریف) بیفتد و خداوند متعال برکاتش را شامل آن کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا
اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ
بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»^۱

■ آرزو و امانت همه انبیا و ائمه (ع)، از تحقق خاص تا تحقق تام

خدای متعال در قرآن کریم وعده‌ای را به‌عنوان یک وعده کلی که مصادیق متعددی می‌تواند داشته باشد ذکر می‌فرماید و آن این است که اگر مردم و جامعه‌ای حقیقتاً ایمان به خدا داشته باشند و بر اساس ایمانشان اعمال صالح و شایسته‌ای که مقتضای آن ایمان است انجام بدهند در همین دنیا خدا عزت به آن‌ها عطا می‌کند. به تعبیر خود قرآن «وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» آن دینی که خدا برای آن‌ها پسندیده را به آن‌ها می‌بخشد و برایشان استقرار و تحقق می‌دهد «وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» و بعد از سال‌ها و شاید قرن‌ها خوف و هراس و ناامنی، خدای متعال امنیت و آرامش به آن جامعه عطا می‌کند. همه این‌ها مقدمه است برای اینکه این مردمی که ایمان دارند و اعمال صالح انجام دادند و آزمایش‌های خود را گذراندند، در همین زمین به پرستش خدای یگانه بپردازند و در زندگی‌شان تنها یک محور باقی بماند و آن محور خداپرستی باشد. همه می‌دانید که

۱- خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن‌چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. (سوره نور، آیه ۵۵)

مصدق تام این وعده الهی، ظهور مولایمان امام زمان (عج) است^۱ که امیدواریم چندان دور نباشد؛ ولی این وعده الهی مصادیق و نمونه‌های کوچک‌تری هم دارد که آن عمومیت و فراگیری در سطح جهان را ندارد؛ اما در سرزمین‌هایی خاص و در جوامعی خاص می‌تواند تحقق پیدا بکند.

تحقق خاص و طلیعه تحقق تام

ما بحمدالله بر این باوریم که یکی از بهترین مصادیق این وعده الهی که در طول تاریخ انسانیت، کم‌نظیر و شاید بی‌نظیر باشد، در زمان ما و در سرزمین ما تحقق پیدا کرده است و آن پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام بزرگوار (رضوان‌الله‌علیه) و به یاری یاران دل‌باخته و مخلص و خدایپرست و موحد بود. این پدیده عجیب و عظیم تاریخی، دنیا را شگفت‌زده و قدرت‌های عظیم را گیج کرد. چنان سیلی مدهوش‌کننده‌ای به گوش ابرقدرت‌ها نواخت که بعضی به دور خود هنوز هم می‌چرخند و سرگردان نمی‌توانند اعتدال و تعادل خودشان را حفظ کنند. گاهی از روی سرگردانی و حیرت، نعره مستانه سر می‌دهند و تهدید به جنگ می‌کنند، گاهی از روی عجز و ناتوانی تقاضای مذاکره و سازش می‌کنند و گاهی کارهای دیگر می‌کنند که همه نشانه گنجی و سردرگمی سیلی سختی است که انقلاب به صورت آن‌ها نواخته است.

۱- امام صادق (علیه‌السلام) درباره معنای آیه فرمود: این آیه، درباره قائم و یاران او نازل شده است. (الغیبة (للنعمانی)، ص ۲۴۰، ح ۳۵)

■ نظیر آیه فوق، آیه شریفه «وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» است؛ زیرا مضمون این آیه و آیه پیش نه در زمان پیغمبر (ص) تحقق [کامل] یافته و نه پس از آن حضرت، بلکه تحقق [کامل] آن در زمان ظهور حضرت قائم خواهد شد وگرنه خلاف وعده الهی لازم آید «وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ».

نعمتی بی سابقه و قدرناشناخته در حجاب معاصرت و معاشرت

این حادثه آن قدر عظیم است که سال‌ها باید بگذرد، ده‌ها سال و شاید قری تا ابعادش درست شناخته و بازشناسی بشود و برای آیندگان تبیین صورت بگیرد. ما مثل ماهی‌ای هستیم که در آبیم و از اهمیت آب غافلیم. **متوجه نیستیم که خدای متعال چه نعمت عظیمی که نمونه‌اش را در طول تاریخ انسانیت کمتر می‌توان یافت به ما مرحمت فرموده است. هزاران پیامبر از طرف خدا آمدند برای اینکه زمینه را برای تحقق چنین جامعه‌ای فراهم کنند؛ ولی برای آن‌ها چنین توفیقی حاصل نشد.** یک نمونه کوچکی را ما فقط در قرآن سراغ داریم و از آن یاد می‌کنیم حکومت حضرت سلیمان (علی نبینا و آله و علیه السلام) است و گرنه در داستان‌هایی که قرآن از انبیا، از سلاطین، از اقوام مختلف آورده هیچ‌کجا چنین پدیده الهی و عظیمی که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران قابل مقایسه باشد وجود ندارد. شاید بعضی، این عرایض را حمل بر مبالغه کنند؛ ولی بنده در پیشگاه این انقلاب شرمندهم که زبان بیان عظمت این رخدادهای الهی را ندارم. ان شاء الله در آینده روشن خواهد شد که خدای متعال چه نعمت عظیم و بی‌نظیری به ملت ما عطا فرموده است.

۱- عزیزان من! بار سنگین حفظ این امانت الهی که امانت پیغمبران است، بر دوش شماست. جمهوری اسلامی، امانت تاریخی انبیای عظام الهی است. آرزوی موسی و عیسی و آرزوی همه اولیا و ائمه بزرگوار ماست که امروز تحقق پیدا کرده است؛ ولو ناقص (کاملش هم ان شاء الله، در دوران حکومت کبری و ولایت عظمای حضرت بقیة الله فی الارضین، ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، ظاهر و آشکار خواهد شد.) (امام خامنه‌ای، مدظله العالی)، دیدار جمعی از پاسداران، ۱۳۷۳/۱۵/۱۵

■ روایت نعمت

بررسی ابعاد این انقلاب، پیشینه‌هایش، عوامل تحققش و بعد شرایط بقایش، بررسی آسیب‌هایی که با این انقلاب پیش آمده، بررسی خطرهایی که در آینده ممکن است آن را تهدید بکند و مسائلی از این قبیل، سلسله مباحثی را می‌طلبد که کسانی که نیروی جوانی کافی و اطلاعات عمیق و گسترده داشته باشند باید به این مباحث بپردازند و از باب «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»^۱ عظمت این نعمت الهی را برای معاصرین و بیشتر برای آیندگان ثبت و تبیین کنند.

راز عظمت

بنده در این جلسه فقط یک سؤال را مطرح می‌کنم و سعی می‌کنم با کمک شما دوستان جوابش را پیدا کنیم. سؤال درباره پدیده عظیمی است که همه عالم از دوست و دشمن به عظمت آن اعتراف دارند و شواهد زیادی

۱- و نعمت‌های پروردگارت را [با رفتار و گفتارت سپاس و] بازگو کن. (سوره ضحی، آیه ۱۱) ■ از امام صادق (علیه‌السلام) روایت شده: هنگامی که خداوند بر بنده خود نعمتی ارزانی کند و [آثار و نشانه‌های] آن نعمت در او آشکار شود، چنین بنده‌ای را محبوب خدا و بازگو کننده نعمت‌هایش می‌نامند و هنگامی که خداوند بر بنده خود نعمتی ارزانی کند و [آثار و نشانه‌های] آن نعمت در او آشکار نشود چنین بنده‌ای را دشمن خدا و انکارکننده نعمت‌هایش می‌نامند. (الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۶، ص ۴۳۸)

در گفتارها و رفتارهای دولتمردان^۱ جهان، سیاستمداران^۲، جامعه‌شناسان^۳ و

۱- برای نمونه: اینجا در ایران قوی‌ترین و مسلح‌ترین پاسبان نظام سلطه (امپریالیسم) حضور داشته است. از خودم پرسیدم که شما چطوری توانستید آن پاسبان قدرتمند را سرنگون کنید؟! [...] شما بدون شلیک یک گلوله، قوی‌ترین پاسبان منطقه را نابود کردید و جهان بایستی از این عمل قهرمانانه شما تشکر بکند. [...] ولی خب هنوز در جهان یک شاه مانده است؛ شاهی که هزاربار مسلح‌تر از شاهی است که شما سرنگونش کردید. این شاه، نظام سلطه است که مقر آن در نزدیکی وطن ماست و پایگاه‌هایش، ناوهای هواپیمابرش و موشک‌های هسته‌ای او در همه جای جهان هستند، ولی جهان هم سلاح خودش را دارد و بایستی بذر این سلاح [عقیده و روحیه] را در همه جا پاشید و این سلاح را شما در اختیار بقیه گذاشتید؛ این سلاح را شما به دست بشریت دادید و از این بیست‌هزار سلاح هسته‌ای کاری بر نمی‌آید. [...] این [شاه هم] سقوط خواهد کرد همان طوری که شاه ایران سرنگون شد و به این خاطر هست که همیشه می‌گویم یاد امام خمینی همیشه جاوید باد. (فیدل کاسترو رهبر انقلاب کوبا و رئیس‌جمهور کوبا، سخنرانی در دانشگاه تهران، ۱۳۸۰)

۲- برای نمونه: «تاریخ هرگز نقش ایران اسلامی را فراموش نخواهد کرد. ملاقات با رهبر انقلاب بزرگی که جهان را تحت‌تأثیر قرار داده است برای من امیدبخش و موجب افتخار بزرگی است و مردم آفریقای جنوبی اکنون برای شنیدن گزارش دیدارهای من با رهبر بزرگ انقلاب و مقامات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران به انتظار نشسته‌اند.» (نلسون ماندلا، رهبر کنگره ملی آفریقا، در دیدار با امام خامنه‌ای، ۱۳۷۱) شایان‌ذکر است که آقای ماندلا دیدار و کلام خود را با این عبارت آغاز کرد: «سلام رهبر من» و در طول اظهارات خود، بارها از امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به‌عنوان رهبر خود یاد کرد. ایشان در دیداری که چند سال بعد در تاریخ ۱۳۷۸/۷/۲۵ به عنوان رئیس‌جمهور سابق آفریقای جنوبی با رهبر حکیم انقلاب داشتند بیان کرد: «امام خمینی نه تنها رهبری بزرگ برای ایران بود، بلکه رهبری برای تمامی نهضت‌های آزادی‌بخش جهان به شمار می‌رفت. [...] ما خود را مدیون انقلاب اسلامی می‌دانیم و مراتب تقدیر و تشکر خود را از رهبر انقلاب و ملت و دولت ایران اعلام می‌کنیم.» البته این تشکر ویژه آقای ماندلا علاوه بر دلایل عمومی، دلیلی خاص هم داشت که آن رهنمودهایی بود که از رهبر حکیم انقلاب در دیدار نخستشان دریافت کرد و تبعیت از آن‌ها راز پیروزی انقلابشان است.

۳- برای نمونه:

■ در گذشته، سه غول فکری جامعه‌شناسی، یعنی مارکس، دورکیم و ماکس وبر با کم‌وبیش اختلافاتی، فرایند عمومی جهان را به سمت سکولاریزاسیون و به حاشیه رفتن دین می‌دیدند؛ ولی از آغاز دهه ۱۹۸۰ (ظهور انقلاب اسلامی)، شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم؛ یعنی فرایند عمومی جهانی روند معکوس پیدا کرده و به سمت دینی شدن پیش می‌رود. (آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، ۱۳۷۴، ص ۷۵)

■ تحول گسترده‌ای که در [سال] ۱۹۷۸ تمام ایران را فراگرفت، تقریباً تمام ناظران را [در سراسر جهان] از روزنامه‌نگارها و دیپلمات‌ها گرفته تا اندیشمندان ایرانی و نظریه‌پردازان تغییرات اجتماعی جهان سوم، به تحیر افکند. [در ادامه مقاله ضمن اشاره به ناتوانی‌های فراوان نظریه‌های گوناگون در تحلیل انقلاب اسلامی:] موضوع نظریه اجتماعی در دهه ۱۹۸۰ به‌این‌ترتیب در آمد که: «آیا انقلاب ایران را باید به‌عنوان یک مورد منحصربه‌فرد، خلاف سایر انقلاب‌ها مورد بررسی قرار داد و یا اینکه علت انقلاب‌ها را باید در پرتو شواهد ایران مجدداً مورد مذاقه قرار داد؟» (جان فوران، مقاله «انقلاب ۱۹۷۷-۷۹ چالشی برای نظریه اجتماعی»)

صاحب‌نظران مختلف در علوم‌انسانی^{۲۱} وجود دارد که در مقابل عظمت این انقلاب سر تعظیم فرود آورده‌اند. سؤال این است که این عظمت ناشی از چیست؟! شاید سؤال احمقانه‌ای به نظرتان برسد؛ اما اجازه بدهید اندکی بازش کنم.

آیا عظمت این انقلاب، ناشی از این است که حاکمان قبلی رفتند، دیگران جانشین آن‌ها شدند؟ الف و ب و ج که طی سال‌هایی بر این کشور حکومت می‌کردند، رفتند و آواره شدند سپس کسان دیگری جای آن‌ها آمدند، نشستند و حکومت می‌کنند؟ این است آن حادثه عظیمی که دنیا در مقابل آن سر تعظیم فرود آورده است؟! پیداست که این جواب، بسیار نارسا است. جایگزین شدن یک قدرت با قدرتی دیگر، افرادی به‌جای افرادی دیگر، دستگاه

۱- برای نمونه: انقلاب اسلامی پیچیده و اسرارآمیز می‌نماید؛ مساوات‌طلب است؛ اما درعین‌حال سوسیالیست یا دموکراتیک نیست. رادیکال است، اما سنتی نیز به نظر می‌رسد. بیگانه‌گریز است؛ اما به‌ندرت انزواگرا است، و نمایانگر انقلاب‌های فرانسه، روسیه و یا تجربه آمریکا نیست. [...] نظریه‌های علوم اجتماعی راجع به نوسازی، خواه مارکسیست، خواه ملهم از سرمایه‌داری لیبرال نتوانستند وقوع آن را پیش‌بینی کنند و هنوز توضیح قانع‌کننده‌ای برای آن ارائه نکرده‌اند، تنها در دل تاریخ اسلام که با قیام‌های زاهدانه در هر عصری مشحون است، می‌توان معنایی برای این جنبش عظیم که جهان اسلام را در نوردید، پیدا کرد. (رابرت دی لی، مقاله «انقلاب اسلامی و اصالت»)

۲- انقلاب اسلامی «رستاخیز تاریخی انسان» است بعد از قرن‌ها «هبوط». انقلاب اسلامی یک «توبه تاریخی» است و بنابراین، غایات آن هرگز اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیست؛ انقلاب اسلامی یک انقلاب فرهنگی است در جهانی که به صورت یک دهکده جهانی با یک فرهنگ واحد درآمده است: فرهنگ غرب، یعنی فرهنگ غربت انسان از حقیقت. (شهید سیدمرتضی آوینی، مقاله «ویدئو در برابر رستاخیز تاریخی انسان»)

انقلاب اسلامی اصولاً بیرون از عالم فرهنگی دنیای جدید وقوع یافته است و فارغ از معیارها، ارزش‌ها، نسبت‌ها و مفاهیم و اصول دنیای جدید. به همین علت است که غربی‌ها انسان‌هایی چنین را «بنیادگرا» می‌خوانند، چرا که اصلاً این انقلاب از لحاظ ایجابی در امتداد سیر تطور تاریخی دنیای جدید قرار ندارد و اصولاً با رجوع به حکومت مدینه در ۱۴۰۰ سال پیش شکل گرفته است. خواه‌ناخواه واقعیت وجودی این انقلاب، چه ابراز شود و چه ابراز نشود، در تضاد با تمامی مبانی نظری و عملی دنیای جدید، اعم از اومانیزم، راسیونالیسم، لیبرالیسم، ماتریالیسم، سکولاریسم، سیانتیسم، نظریه ترقی، لیبرال یا سوسیال دموکراسی و غیره قرار دارد. (شهید سیدمرتضی آوینی، مقاله «چرا روشنفکران مورد اتهام هستند؟»)

حاکمه‌ای به‌جای دستگاه حاکمه‌ای دیگر، چیزی است که همواره در طول تاریخ وجود داشته، دارد و خواهد داشت.

«وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ»^۱ این تحولات دائماً در تاریخ جوامع بشری رخ می‌دهد. کتاب‌های تاریخ پر است از ذکر این حوادث و نگارش این تاریخ‌ها. در تاریخ اسلام خودمان پس از پیامبر اکرم (ص) کسانی حکومت کردند، بعد نوبت به بنی‌امیه رسید و سال‌ها آن‌ها حکومت کردند، آن‌ها رفتند بنی‌عباس آمدند جایشان، چند صدسال بنی‌عباس حکومت کردند و بعد از آن‌ها هم کسان دیگری. همچنین صفویه رفت، جایش افشاریه و زندیه آمدند، آن‌ها رفتند جایشان قاجاریه آمد، قاجاریه رفت، جایش خاندان پهلوی آمد، خاندان پهلوی هم رفت، کسان دیگری آمدند. صرف اینکه حاکمانی به‌طور طبیعی منقرض بشوند یا با قدرت دیگران، از صحنه بیرون رانده شوند و کسان دیگری جای آن‌ها حکومت کنند، چیز عجیبی نیست. تاریخ جوامع بشری دائماً شاهد این دگرگونی‌ها و جایگزینی‌هاست. **پس سر اینکه این انقلاب اسلامی ما این قدر عظمت دارد که اجمالاً همه ما می‌دانیم، دنیا هم اعتراف دارد، در این نیست که سلسله‌ای از حاکمان در ایران منقرض و یک سلسله دیگر جایگزین آن‌ها شدند. این نه چیز تازه‌ای است نه عجیب. گزینه دیگری را به‌عنوان جواب می‌توان در نظر گرفت و بررسی کرد؛ آیا عظمت این انقلاب در این بود که نه تنها سلسله‌ای از حاکمان یا اشخاص را، بلکه یک رژیم حکومتی را عوض کرد؟ در حدود ۲۵۰۰ سال رژیم حاکم در این کشور رژیم سلطنتی بود؛ اما در انقلاب اسلامی ایران این رژیم عوض و تبدیل**

۱- و ما این روزها [ی پیروزی و شکست] را در میان مردم می‌گردانیم [و این خاصیت زندگی دنیاست] (از سوره آل‌عمران، آیه ۱۴۰)

شد به رژیم دیگری به نام جمهوری اسلامی. آیا عظمت این انقلاب ناشی از این است که رژیم عوض شده است؛ یعنی نوع حکومت از سلطنتی تبدیل شده به جمهوری؟ **این هم منحصر به ایران نیست. در همه کشورهای دنیا این گونه تحولات وجود داشته و دارد و بعداً هم خواهد داشت.** بسیاری از کشورها ابتدا رژیم سلطنتی داشتند که با انقلاب، تبدیل شد به جمهوری؛ مثل انقلاب فرانسه یا انقلاب اکتبر شوروی. این‌ها هم رژیم سلطنتی داشتند و در بسیاری از موارد با انقلاب مردم و گاهی هم با کودتا و چیزهایی از این قبیل، رژیم تغییر کرد و یک رژیم دیگر حاکم شد. صرف اینکه رژیم سلطنتی تبدیل شود به رژیم جمهوری، باعث می‌شود ما بگوییم یک حادثه عظیم تاریخی و بی‌نظیر در کشور ما اتفاق افتاده و نعمتی غیرقابل‌قدریابی عطا شده است؟ این به‌تنهایی کافی نیست؛ این چیزها در همه‌جای دیگر هم هست. ممکن است تفاوت‌هایی گذاشته بشود مثلاً بگوییم در انقلاب‌های دیگر فلان قدر کشته دادند، فلان قدر سختی کشیدند؛ اما اینجا آسان‌تر انجام گرفت. البته این هست؛ آن‌قدر که بعضی از انقلاب‌ها قربانی دادند تا توانستند رژیمشان را عوض کنند ما در انقلابمان خسارت و کشته ندادیم. اما این یک نوع تفاوت و اختلاف جزئی است و آن‌قدر نیست که ما بگوییم این منشأ انحصاری نظام ما شده؛ یعنی بگوییم آنچه انقلاب اسلامی ایران را یک پدیده منحصربه‌فرد تاریخی کرده این است که قربانی کم داده است. خب کم‌وزیاد نسبی است؛ بعضی از انقلاب‌ها کمتر قربانی داده‌اند، بعضی بیشتر داده‌اند و ایران هم کمتر از همه دیگر قربانی داده است؛ ولی به هر حال این موجب نمی‌شود که بگوییم ما انقلابمان یک پدیده منحصربه‌فردی است و این عظمت به‌خاطر این است که قربانی کم داده‌ایم.

دو پاسخ و دو نگرش

پس چیست این عظمتی که هم خود ما به آن معتقدیم، هم دوستان ما در سراسر دنیا و هم دشمنان ما؟ گاهی به زبان می‌گویند گاهی هم به زبان نمی‌گویند؛ اما با زبان حال^۱ بیان می‌کنند که خیلی گویاتر از زبان قال است.^۲ اما سر عظمت این انقلاب چیست؟ **حقیقت این است که برای این سؤال دو جور می‌شود پاسخ داد از دو دیدگاه.** یکی از دیدگاه خود ماست به‌عنوان کسانی که این نعمت، شامل حالمان شده و بسیاری از ما کم‌وبیش در تحقق این پدیده عظیم سهمی داشته‌ایم؛ هنوز میان ما هستند کسانی که زندان رفتند، شکنجه دیدند، سال‌ها تبعید کشیدند، اموالشان را در این راه صرف کردند، کمک به انقلابیون کردند و انواع‌واقسام کارهایی که مؤثر بود در پیروزی این انقلاب انجام دادند. **ما مسلمان‌هایی که این نعمت را دریافت کردیم و به این پیروزی رسیدیم یک جور جواب داریم، دشمنان ما و کسانی که بینشی همچون ما و نگرش الهی و اسلامی ندارند جواب دیگری برای عظمت این انقلاب دارند.**

۱- زبان حال عبارت است از وضعیت ظاهری و رفتاری شخص که بیانگر اندیشه یا احساس او باشد یا آنچه که به طور ضمنی می‌تواند اندیشه یا احساس کسی را بیان کند یا مناسب حالت روحی یا وضعیت ظاهری او باشد.

۲- از امام علی (علیه‌السلام) روایت شده: **أَصْدَقُ الْمَقَالِ مَا تَطَوَّقَ بِهِ لِسَانُ الْحَالِ.** (میزان‌الحکمه ج. ۱۰، ص ۲۷، ح ۱۸۳۳۸)

پاسخ اول؛ پرآوازه و غلط

اجمالاً جوابی که دیگران می‌دهند این است که تحقق این انقلاب یک پدیده‌ای بود برخلاف معادلات بین‌المللی و برخلاف مقتضیات شرایط زمانی و مکانی و اسباب و عللی که در تحولات اجتماعی مؤثرند. یعنی پدیده‌ای بود که **متخصصین، صاحب‌نظران، تحلیل‌گران سیاسی و کسانی که توانایی پیش‌بینی حوادث اجتماعی را دارند، حتی احتمالش را هم مطرح نمی‌کردند.**^۱ حالا گاهی فرد، نسبت به آینده اظهارنظر قطعی نمی‌کند اما می‌گوید مثلاً ۵۰ درصد احتمال دارد چنین چیزی بشود؛ فرض کنید مثلاً آیا آمریکا به عراق حمله خواهد کرد یا نه؟ شاید جواب قطعی نداشته باشد، در حالی که گویا مقدماتش شروع شده^۲ ولی به هر حال جای این احتمال هست و پیش‌بینی قطعی نمی‌شود کرد. کسی می‌گوید ۵۰ درصد مثلاً این کار واقع خواهد شد. آیا فلان رژیم ساقط می‌شود یا نه؟ آیا فلان تحول در فلان کشور واقع می‌شود

۱- سازمان سیا در مرداد ۱۳۵۶ (اوت ۱۹۷۷) یک گزارش تحقیقی ۶۰ صفحه‌ای تهیه کرد که در آن، این جمله ذکر شده بود: «شاه تا دهه ۱۹۸۰ نیز شریک فعالی در حیات ایران خواهد بود.» و «در شیوه سیاسی ایران در آینده نزدیک، تغییر بنیادین مهمی انجام نخواهد شد». دستگاه ضداطلاعاتی دفاعی در ۷ مهر ۱۳۵۷ (۲۸ سپتامبر ۱۹۷۸) گزارش داد که «شاه در ده سال بعدی به‌طور فعال در رأس قدرت باقی خواهد ماند.» کارتر نیز مرتباً این ارزیابی را تکرار می‌کرد. وی در ۷ آبان ۱۳۵۷ (۲۸ اکتبر ۱۹۷۸) گفت: «ما با ایران دوستی تاریخی داریم، به نظر من آن‌ها یک نیروی باثبات بزرگ در آن بخش از جهان هستند.» و در ۹ آذر ۱۳۵۷ (۳۰ نوامبر ۱۹۷۸) گفت: «ما اطمینان داریم شاه ثبات را در ایران حفظ می‌کند، روند مردم‌سالارسازی را ادامه می‌دهد و تغییرات ترقی‌خواهانه را در ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران ادامه خواهد داد ... ما به شاه اعتماد داریم.» کارتر در ۲۱ آذر همان سال (۱۲ دسامبر ۱۹۷۸) گفت: «من کاملاً پیش‌بینی می‌کنم که شاه، قدرت در ایران را حفظ خواهد کرد و مشکلات فعلی نیز حل می‌شوند.» بعدها، کارتر در یک اجلاس مطبوعاتی در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران که پرسید: رئیس‌جمهوری که دو ماه قبل اعلام کرده بود شاه، قدرت راه حفظ می‌کند چگونه توانسته تا این اندازه اشتباه کند؟ پاسخ داد: «تا جایی که من اطلاع دارم، هیچ‌کس این تغییر سریع جریانات در ایران را پیش‌بینی نکرده است.»

۲- شایان توجه است که این سخنرانی در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۸۱ ایراد شده است و آیت‌الله مصباح یزدی در جریان این بیانات، تحلیل و پیش‌بینی خود را درباره احتمال قوی حمله و تجاوز آمریکا به عراق که در تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۸۱ (تقریباً ۹ ماه بعد) شروع شد مطرح می‌کنند.

یا نه؟ با یک درصدی پیش‌بینی می‌کنند، ۵۰ درصد، ۶۰ درصد، ۷۰ درصد؛ اما وقوع این انقلاب در ایران را عمیق‌ترین و کهنه‌کارترین سیاست‌مداران دنیا حتی با یک درصد ضعیفی هم پیش‌بینی نکردند و ناگهان مواجه شدند با یک زلزله عظیمی که در این منطقه رخ داد و در تمام معادلات بین‌المللی جهان اثر گذاشت. خب این واقعاً یک راز بزرگی است؛ بر اساس بینش‌های جامعه‌شناسانه، این سر‌عظمت انقلاب می‌تواند تلقی بشود. **اما آن عظمتی که ما برای این انقلاب قائل هستیم تنها این جهت نیست.**

تصویر ۱: اختصاصی «استاد فکر» | گزیده‌ای از سند گزارش ارزیابی عملکرد اطلاعاتی قبل از نوامبر ۱۹۷۸؛ کمیتهٔ فرعی ارزیابی و کمیتهٔ منتخب دائمی اطلاعات مجلس نمایندگان آمریکا دربارهٔ عدم توانایی پیش‌بینی انقلاب اسلامی توسط دستگاه‌های اطلاعاتی متعدد و نهاد سیاست خارجی آمریکا

DIA. Five Intelligence Appraisals were produced on Iran by DIA in the first nine months of 1978, along with a brief "prognosis" of the political situation in Iran. They contained several short-term predictions of reasonable accuracy, but did not suggest that disturbances had exceeded the bounds of previous crises which the Shah had weathered. They concluded as recently as the September 28 "prognosis" that the Shah "is expected to remain actively in power over the next ten years."

State INR. State Department's Bureau of Intelligence and Research (INR), lacking a full-time Iran analyst, produced no Intelligence Reports on Iran in 1978. However, in addition to frequent *Morning Summary* items, briefings, and contributions to State Department papers, INR did hold a number of seminars and colloquia on Iran during the year. One of the sessions intended to familiarize analysts and mid-level policymakers with the views of various academics occurred in early March, 1978, and focused on a paper by an academic participant, titled "Monarchy in Crisis." The paper, which was later summarized for senior State Department officials, concluded that "time is not on the side of the Shah." A later session held on 27 October involved a larger circle of academic and intelligence personnel as well as policymakers, and represented the first major policy gathering during the current crisis.

CIA. Two major long-term analyses by CIA provided valuable insights into many of the trends, forces, and relationships that underly current events in Iran, but they failed entirely to prepare consumers for the gravity of recent popular disturbances. *Iran in the 1980s*, a 60-page study published in August 1977, was constructed within assumptions that included "the Shah will be an active participant in Iranian life well into the 1980s," and "there will be no radical change in Iranian political behavior in the near future." *Iran After the Shah*, a 23-page Intelligence Assessment published in August 1978, is simi-

6

larly "not an assessment of what will happen," but "an examination of persons, institutions, and other factors that will play a role. . . ." Although useful in its intended purpose, it proved to be highly misleading with its preface, which asserted, "Iran is not in a revolutionary or even a 'pre-revolutionary' situation."

USERS AS PART OF WARNING CYCLE

In an August 1978 classified staff report,² the Subcommittee highlighted the importance of user attitudes to the effectiveness of warning. Identifying this as the most difficult of five basic lessons demonstrated by past warning and crisis management situations, the report stated, "history provides ample illustration to suggest the futility of warning if decision makers are unwilling to accept warning or are unprepared to deal with the terms in which the warning comes."

Although the interplay of consumer attitudes and intelligence performance in the Iranian case can never be fully known, the following observations can be made:

- Considerable intelligence on the mounting crisis in Iran over the past year had been produced and distributed to high-level readers. State Department *Morning Summaries*, which early noted the seriousness of the disturbances, were received at the White House for inclusion in the President's daily reading. Other intelligence products described above, including the *NID*, also reached the White House and other senior officials.
- Policymakers must assume responsibility, perhaps to a greater degree than the intelligence community, for the unwritten considerations which restricted both open and clandestine intelligence field collection on the Iranian internal situation.
- Consumers did not demand analysis of the Shah's stability. Large arms transfers and other major policies in the region were pursued without the benefit of in-depth analysis of the Iranian political scene.

7

پاسخ دوم؛ کم‌آوازه و صحیح

آنچه برای ما بیشتر ارزش دارد این است که به وسیلهٔ این انقلاب هدف ۱۲۴۰۰۰ پیغمبر و هزاران اوصیا، انبیا و اولیا خدا و مجاهدین، تحقق پیدا کرد. هزاران سال انبیا و اولیا زحمت کشیدند، هدایت کردند، ترویج کردند، تبلیغ کردند، فداکاری کردند، خون دادند، تبعید شدند، در چاه زندانی شدند، سرشان بریده شد - بعضی‌ها را با اره سر بریدند - و به فجیع‌ترین وضع به شهادت رسیدند که بالاترین نمونه‌اش داستان کربلاست، همهٔ این‌ها برای این بود که بر روی زمین یک حکومت الهی برقرار باشد و جامعه‌ای با قانون خدا اداره شود و جای ظلم‌ها، خودمحموری‌ها، خودگزینی‌ها، قدرت‌طلبی‌ها، دیکتاتوری‌ها و امثال این‌ها را قانون عدل الهی بگیرد و کسانی توفیق پیدا کنند که این قانون خدا را در جامعه پیاده کنند. این چیزی است که ما نمونهٔ فراگیرش را در تاریخ سراغ نداریم؛ نمونهٔ کوچکش حکومت پیامبر اکرم (ص) در یک محدودهٔ کوچکی در جزیرهٔ العرب، آن هم حدوداً به مدت ۱۰ سال بود، بعدش در حدود چهار، پنج سال امیرالمؤمنین تلاش کردند که سراسر زندگی ایشان در آن، به جنگ گذشت و فرصتی برای بازسازی جامعه و ادارهٔ جامعه بر اساس احکام و قوانین اسلامی به‌صورت گسترده حاصل نشد. بعد از آن هم به‌صورت‌های مختلف، کشورهای اسلامی به دست ستمگران، نابخردان، خودمحموران و دنیاپرستان افتاد؛ البته مرتبهٔ خودمحموری‌شان، دنیاطلبی‌شان، زورگویی‌شان متفاوت بود؛ یکی کمتر بود، یکی بیشتر؛ به قول ما طلبه‌ها این موضوع «مقول به تشکیک»^۱ است. به هر حال هیچ‌کدام از این‌ها حکومت

۱- در اصطلاح فلسفه به معنی محمول است. مقول در جواب ماهو، یعنی آن است که در مقام سؤال از ماهیت شیء گفته شود و به عبارت دیگر ذاتیات نوعی و جنسی اشیا را گویند. مفاهیم کلی را از نظر کیفیت صدق بر مصادیق، به دو دسته تقسیم کرده‌اند: متواطی و مشکک. مشکک مفهومی است که صدق آن بر افراد و مصادیقش متفاوت باشد و بعضی از آن‌ها از نظر

عدل الهی نبودند.

عظمت این انقلاب در این است که بعد از ده‌ها قرن و هزاران سال از تلاش‌های انبیا و اولیا خدا و بعد از ۱۴ قرن از تلاش‌های مسلمان‌ها، از این نقطه زمین که به نام اهل‌بیت (ع) پیغمبر اکرم (ص) مفتخر است، به برکت معارف اهل‌بیت و به دست شخصی از تبار اهل‌بیت چنین حکومتی برقرار شد.^۱ آنچه از لحاظ عظمت این نعمت برای ما مهم است که معتقدیم هر قدر تلاش کنیم نمی‌توانیم شکرش را به‌جا بیاوریم همین جهت است. البته از نظر جامعه‌شناسان هم همان طور که عرض کردم تفسیر خاص خودش را دارد؛ ولی آن برای ما تکلیفی ایجاد نمی‌کند. اینکه سیاستمداران دنیا نتوانستند چنین تحولی را پیش‌بینی کنند خب عیب از آن‌ها بود، عقلشان نمی‌رسید، معلوماتشان کم بود. به هر حال هر چیزی و هر پدیده‌ای، اسباب و مسبباتی دارد که اگر بر آن‌ها احاطه داشتند و اطلاعات کافی داشتند شاید پیش‌بینی هم می‌کردند.

پیش‌بینی‌کردن یا نکردن آن‌ها در ارزش خود این پدیده نمی‌تواند اثری داشته باشد. بله برای آن‌ها از آن جهت که انتظارش را نداشتند خیلی

مصاداقیت برای آن مفهوم مزیتی بر بعضی دیگر داشته باشند. چنان‌که همه خط‌ها در مصداق بودن برای طول یکسان نیستند و مصداقیت خط یک‌متری برای آن، بیش از مصداقیت خط یک سانتی‌متری است، یا مفهوم سیاه بر همه مصادیقش به‌طور یکسان حمل نمی‌شود و بعضی از آنها سیاه‌تر هستند. ۱- از امام کاظم (علیه‌السلام) روایت شده: مردی از اهالی قم مردم را به حق فرامی‌خواند و برگرد او مردمانی فراهم می‌آیند که چونان پاره‌های آهن استوارند، طوفان‌ها آن‌ها را به لرزه نمی‌اندازد و از جنگ خسته نمی‌شوند و بزدلی نشان نمی‌دهند، به خدا توکل دارند و فرجام از آن پرهیزگاران است. (بحارالأنوار، محمدباقر مجلسی، دار إحياء التراث العربی، ج ۵۷، ص ۲۱۶)

■ با توجه به برخی روایات و قرائن به نظر می‌رسد که مراد از اهل قم که در روایات متعددی آمده و اینکه آنان یاوران حضرت مهدی (ع) می‌باشند، محدود به ساکنان شهر قم نباشد و ناظر به اهالی مکتب اسلامی و انقلابی است و شامل همه ایرانیانی باشد که در ولایت و دوستی و جنگ و جهاد پیرو امامان (ع) و سلسله ولایت آنان هستند، بلکه شامل مسلمانان غیرایرانی مشمول این شرایط نیز بشود.

عجیب است؛ اما این چندان برای ما مهم نیست. آنچه برای ما اهمیت دارد این است که چه نعمت الهی عظیمی است و چه شکر بزرگی می‌طلبد.

■ نعمت عظیم و عذاب در کمین

وقتی خدای متعال حضرت داوود^(ع) را بر جالوت مسلط کرد و به دنبالش فرزند او سلیمان توانست آن حکومت الهی را در سرزمین فلسطین برقرار کند، خدای متعال فرمود «اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ»^۱ حالا که این نعمت را به شما دادم، این قدرت را یافتید، توانستید حکومت الهی را برقرار کنید و پیامبر زمان در رأس حکومت قرار بگیرید، وظیفه دارید که در مقابل این نعمت عظیم به شکر خدا بپردازید «اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا» ای آل داوود، ای خاندان داوود، از روی شکر رفتار کنید؛ اعمال خودتان را بر اساس شکر الهی تنظیم کنید؛ یعنی در مقابل این نعمت، وظیفه بزرگی که شما دارید، حفظ این نعمت، قدردانی از آن و انجام دادن وظایفی است که از لوازم این نعمت است. همه این‌ها به‌عنوان شکر خدا باید انجام بگیرد و الا اگر شکر نعمت به جا نیاوردید این قاعده کلی الهی که بر تمام پدیده‌های زندگی انسانی حاکم است، در اینجا هم حاکم خواهد شد «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»^۲. این تعارف نیست که

۱- ای آل داوود! شکر [این همه نعمت را با بندگی و عمل] به جا آورید؛ و عده کمی از بندگان من شکرگزارند! (از سوره سبأ، آیه ۱۳)

۲- و [همچنین به خاطر بیاورید] هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: «اگر شکرگزاری کنید، [نعمت خود را] بر شما خواهم افزود؛ و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است!» (سوره ابراهیم، آیه ۷)

■ ابوبصیر گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: «آیا به‌جای آوردن شکر خدا، حد و حدودی دارد که اگر بنده‌ای آن را انجام داد، سپاسگزار قلمداد شود؟» فرمود: «آری» عرض کردم: «حد و مرز آن چیست؟» فرمود: «خدا را به خاطر هر نعمتی که به او ارزانی داشته است، اعم از خانواده و مال و ثروت سپاس گوید و اگر در میان نعمت‌هایی که خداوند به وی اعطا فرموده است، حقی بر گردن اوست، آن

باید شکر بکنید؛ این توجه دادن به یک سنت تخلف‌ناپذیر و بی‌استثنای الهی است که اگر مردمی قدر نعمت خدا را ندانستند و شکر آن را به جا نیاوردند، مستوجب عذاب خواهند شد «وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» اگر کفران نعمت کنید مستوجب عذاب خواهید شد. از همین روست که به آل داوود هم می‌فرماید «اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا».

طفل، گوهر به تکه نانی دهد

آیا نمی‌شود حدس زد که اگر بنا بود آیات قرآن در این زمان نازل شوند خدا چنین آیه‌ای را نازل کند که ای ایرانیان قدر این نعمت‌را بدانید و شکر آن را به جا بیاورید که اگر کفران نعمت کنید این نعمت تضمینی برای بقا نخواهد داشت. آنچه برای ما اهمیت دارد این است که عظمت این نعمت را درک

حق را ادا کند». (الکافی، محمدبن یعقوب کلینی، ج ۲، ص ۹۶)

۱- «اینکه چهارده کنگره از کنگره‌های قصر ظلم خراب شد، به نظر شما نمی‌آید که یعنی در قرن چهاردهم این کار می‌شود، یا چهارده قرن بعد این کار می‌شود؟ به نظر شاید بیاید این، محتمل هست که این بنای ظلم شاهنشاهی بعد از چهارده قرن از بین می‌رود و بحمدالله رفت از بین.» (صحیفه امام، جلد ۱۹، صص ۴۳۵ و ۴۳۶)

«من راجع به حضرت صدیقه (سلام‌الله‌علیها) خودم را قاصر می‌دانم که ذکری بکنم، فقط اکتفا می‌کنم به یک روایت که در کافی شریفه است و با سند معتبر نقل شده است و آن روایت این است که حضرت صادق (سلام‌الله‌علیه) می‌فرماید: فاطمه (سلام‌الله‌علیها) بعد از پدرش ۷۵ روز زنده بودند در این دنیا، بودند و حزن و شدت برایشان غلبه داشت و جبرئیل امین می‌آمد خدمت ایشان و به ایشان تعزیت عرض می‌کرد و مسائلی از آینده نقل می‌کرد. ظاهر روایت این است که در این ۷۵ روز مراده‌ای بوده است؛ یعنی، رفت‌وآمد جبرئیل زیاد بوده است و گمان ندارم که غیر از طبقه اول از انبیای عظام، درباره کسی این‌طور وارد شده باشد که در ظرف ۷۵ روز جبرئیل امین رفت‌وآمد داشته است و مسائل را در آتیه‌ای که واقع می‌شده است، مسائل را ذکر کرده است و آنچه که به ذریه او می‌رسیده است در آتیه، ذکر کرده است و حضرت امیر هم آن‌ها را نوشته است، کاتب وحی بوده است حضرت امیر، همان طوری که کاتب وحی رسول خدا بوده است- و البته آن وحی به معنای آوردن احکام، تمام شد به رفتن رسول اکرم- کاتب وحی حضرت صدیقه در این ۷۵ روز بوده است. [...] و شاید یکی از مسائلی که گفته است، راجع به مسائلی است که در عهد ذریه بلندپایه او حضرت صاحب (سلام‌الله‌علیه) است، برای او ذکر کرده است که مسائل ایران جزو آن مسائل باشد، ما نمی‌دانیم، ممکن است.» (صحیفه امام، ج ۲، صص ۶-۷)

کنیم تا وظیفه‌مان را در مقابلش بشناسیم و بدانیم چه باید بکنیم. اگر فرضاً شما در کوچه یا خیابانی یک اسکناس هزارتومانی پیدا کردید و آن را به همین عنوان که اسکناس هزارتومانی است شناختید به همان اندازه هم سعی می‌کنید این را حفظ کنید که گم نشود و از دست نرود. اگر یک سنگی را پیدا کردید و پنداشتید که شیشه‌ای کریستالی یا یک چیز زینتی است و ممکن است در بازار هزار تومان از شما بخرند این را به همان اندازه‌ای که برایش ارزش قائلید و در اندازه همان اسکناس سعی می‌کنید حفظ و نگهداری کنید؛ اما اگر آنچه یافته‌اید یک برلیان بود که ثروتمندان جهان نمی‌توانند قیمتش را بپردازند آن را چگونه حفظ می‌کردید؟! ما نعمتی را یافتیم، می‌دانیم به هر حال نعمت خوبی است؛ این حکومتی که داریم با همهٔ نقص‌ها و عیب‌هایی که دارد در مقام مقایسه با حکومت پهلوی خیلی امتیاز دارد؛ اجمالاً می‌دانیم نعمت خوبی است، اما چقدر خوب است؟! بستگی دارد به اینکه ارزشش را چقدر درک کنیم. **آیا تنها یک شیشهٔ زینتی است که هزار تومان می‌ارزد یا یک دانهٔ برلیانی است که همهٔ ثروتمندان جهان نمی‌توانند بهایش را بپردازند؟** بین این دو دید، تفاوت از زمین تا آسمان است.

اگر ما اصرار داریم که عظمت این انقلاب را بشناسیم و باور کنیم، به‌خاطر این است که به دنبالش تکلیف عظیمی را که به دوش ما آمده بشناسیم و به آن عمل کنیم و متوجه باشیم که اگر قدر این نعمت را ندانیم چه نعمتی از کف ما خواهد رفت و چه بلایی بر سرمان خواهد آمد. این است که باید این **دانهٔ برلیان و جواهر را ببریم پیش جواهرشناسان قیمت کنیم تا بدانیم چقدر می‌ارزد.** باید اعتراف کنیم - البته من تا حدی قیاس به نفس می‌کنم، بنده اعتراف می‌کنم که خودم و آن کسانی که شبیه من هستند - قدر این انقلاب

را نشناختیم و ارزشش را ندانستیم. نفهمیدیم این نعمتی که خدا به ما داده است چند می‌ارزد. یک ۹ بنویسید و جلویش صفر بگذارید؛ چند تا صفر باید بگذاریم جلویش تا قیمت انقلاب به دست بیاید؟! نشناختیم و چون عظمتش را نشناختیم در حفظش و حفظ دستاوردهایش تلاش شایسته نکردیم و متأسفانه تدریجاً دارد شرایطی فراهم می‌شود که خدای ناکرده مصداق ذیل آن آیه شویم که «وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ». **اگر قدر این نعمت را ندانستید از کف شما خواهد رفت و جایش عذاب بزرگی جانشین خواهد شد.**

گوشه‌وکنار، زمزمه‌ها و گفته‌هایی شنیده می‌شود و رفتارهایی، سیاست‌هایی، چیزهایی دیده می‌شود که درخور این انقلاب نیست. ارزیابی اینکه آیا تناسب دارد یا ندارد، درخور این انقلاب هست یا نیست، یک ارزش‌گذاری می‌خواهد؛ باید با یک معیار، ارزش‌گذاری کرد. شاید کسانی خیال می‌کنند آنچه انجام می‌دهند [یا ترک می‌کنند] نه تنها ضرری ندارد؛ بلکه بسیار هم خوب است؛ بلکه اصلاً این علامت‌قردانی از انقلاب است. وقتی به یکی از مسئولین - که حتی یک شخصیتی^۱ که اسمشان را نمی‌برم و جانم فدای ایشان باد، درباره آن شخص فرموده بود که یک کار برای اسلام نکرد و بعضی از کارهایش صددرصد ضد اسلام بود -^۲ گفته شده بود که

۱- شخصیتی که آیت‌الله مصباح یزدی (ره) از او نقل‌قول کردند امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) هستند و مسئول یادشده، آقای عطاءالله مهاجرانی وزیر ارشاد در آن زمان است. البته شایان ذکر است آقای مهاجرانی که چند سال پس از استعفایش از وزارت در سال ۱۳۷۹، از کشور خارج شد و تا کنون در انگلستان سکونت دارد در سال‌های اخیر بارها در مواضع اعلامی، با جریان استکبار، ضدانقلاب و تجزیه‌طلب مقابله و از نظام اسلامی دفاع کرده است.

۲- متن بیانات رهبر حکیم انقلاب در تاریخ ۱۳۷۸/۹/۲۳ بدین شرح است: «من از وزارت ارشاد توقع دارم. البته آقای مهاجرانی ظاهراً - نیستند و خودشان را راحت کردند از اینکه بیایند و حرف‌های ما را بشنوند! به‌هرحال، فرق نمی‌کند؛ چه ایشان باشند، چه نباشند، من اعتراضم این است - این اعتراض را بارها هم گفته‌ام، الان هم در جمع شما می‌گویم - وزارت ارشاد در این دو سالی که ایشان در رأس این کار هستند، هیچ کار اسلامی به‌عنوان اسلامی ارائه نداد! این اولین اعتراض من است. فرض کنید من

در دوران مسئولیت شما، ارزش‌های اسلامی کم‌رنگ شد و چرا ارزش‌های اسلامی را کم‌رنگ کردید؟ گفت چه ارزشی بالاتر از آزادی؟! ما آزادی دادیم دیگر، بزرگ‌ترین ارزش‌ها را ما دادیم به جامعه! مگر در اسلام ارزشی هم بالاتر از این می‌شود؟! جوان‌ها هرچوری می‌خواهند با هم رفتار کنند، مجالس شب‌نشینی و عشرتکده‌ها هرچور می‌خواهد برقرار بشود، در دانشگاه‌ها آنچه زمان شاه می‌خواست بشود و نشد، حالا بشود، دختر برگزیده انتخاب بکنند، اختلاط دختر و پسر دانشجو به نام جشنواره ایجاد بکنند، جشنواره سوت کشیدن، این‌ها از دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران است! ما صدها هزار شهید دادیم تا شرایطی فراهم بشود که دختران ما در سوت کشیدن مسابقه بگذارند! دیگر ارزشی هم بالاتر از این می‌شود؟! حالا این‌ها کارهایی است که شاید به صورت فردی، تکی و انفرادی‌اش فی‌حدنفسه^۱ آنچنان هم حرمتی نداشته باشد اما آن کارهایی که بدترین گناهان را دارد و قابل ذکر نیست چطور؟ این‌ها هم از افتخاراتی است که نظام اسلامی ما باید ببالد بابت رسیدن به آن‌ها زیر سایه پیروزی انقلاب اسلامی و دادن صدها هزار گلدسته

خودم در مورد صداوسیما، کمتر هفته‌ای است که اعتراضی و اوقات تلخی‌ای نداشته باشم و پیغام تندی ندهم؛ اما صداوسیما کارهای زیادی را به‌عنوان کار اسلامی انجام داده، برنامه‌های اسلامی و برنامه‌های هنری اسلامی درست کرده و برنامه‌های گزارشی و علمی داشته است. اگر اشتباه و خطا و تخلف دارد، از آن طرف هم تلاش و کار دارد. من سؤالم این است که وزارت ارشاد، چند کتاب برای تقویت تفکر اسلامی به وجود آورده؟ چند تا فیلم برای تقویت مبانی فکری اسلامی و انقلابی ساخته و چند تئاتر مناسب داشته است؟ الان مرتب در این سالن‌های وابسته به وزارت ارشاد، نمایش و تئاترهایی اجرا می‌شود؛ بعضی‌هایش صددرصد ضد دین و ضد انقلاب است! کسانی رفتند، دیدند و آمدند به من گزارش دادند. خوب؛ حالا اگر در کنار دو، سه نمونه تئاتر از این‌گونه نمونه‌ها، پنج، شش نمونه هم به ما نشان می‌دادند که ما این تئاتر را به وجود آوردیم، یا این فیلم را اجرا کردیم که مبلغ اسلام است، من هیچ اعتراضی نمی‌کردم. می‌گفتم بالاخره: «خَلُّوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخِرُ سَيِّئًا عَمَى اللّٰهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَیْهِمْ!» (سوره توبه، آیه ۱۰۲)؛ و گروهی دیگر، به گناهان خود اعتراف کردند؛ و کار خوب و بد را به هم آمیختند؛ امید می‌رود که خداوند توبه آنها را بپذیرد؛ به یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است) اما این‌طور نیست؛ هرچه هست، از آن طرف است! این اعتراض من است. من از رفتار وزارت ارشاد، راضی نیستم.»

۱- به‌خودی‌خود

بی‌نظیر؟! که یکی از آن‌ها شهید چمران بود که چراغ دست بگیرد، دور دنیا بگردید ببینید دومی‌اش را پیدا می‌کنید؟ این‌ها را از دست دادیم و فدا شدند که چه بشود؟ که بچه‌های ما آزاد بشوند! شعار ما مگر آزادی و استقلال نبود؟! الان آزادی است دیگر! احکام اسلام پایمال بشود، نقض بشود، از قانونیت بیفتد، علیه ضروریات اسلام مقاله نوشته بشود، سخنرانی‌ها بشود، در مقدس‌ترین جایگاه و محافل رسمی کشور سخنانی علیه اسلام، علیه نظام گفته بشود، کسانی پیشنهادهایی بکنند که به معنای بر باد دادن خون صدها هزار عزیز، بر باد دادن شرف انسانی و شرف ملی و شرف اسلامی ماست، سپس راجع به آن افتخار هم بکنند که ما با این پیشنهادها می‌خواهیم خدمت کنیم به کشور! ^۱ و کسی هم جرئت نکند حرف بزند؛ اگر

۱- این‌گونه افراد و رفتارها در ادوار مختلف البته با تفاوت‌هایی در شدت و ضعف، وجود دارند. اکنون نیز برخی افراد، رسانه‌ها و مسئولان، دانسته یا ندانسته سخنانی می‌گویند، موضعی می‌گیرند، پیشنهادهای می‌دهند، فعل و ترک فعلی را مرتکب می‌شوند که به‌واقع در تضاد با قواعد اسلامی، منویات امامین انقلاب، قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام و اسناد بالادستی است و معنای بر باد دادن خون صدها هزار شهید، بر باد دادن شرف انسانی، شرف ملی و شرف اسلامی می‌دهد. این تعهدگریزی‌ها و نقض تکالیف قضایی، نظارتی، تقنینی و اجرایی، به‌خصوص در ادواری که سکه رایج، گفتمان انقلابی است در پوشش شعارها و اداهای زیبای دینی، انقلابی، ملی و به‌ظاهر خیرخواهانه صورت می‌گیرد.

■ چند نمونه از مسائلی که در این سال‌ها از جانب عده‌ای در معرض معضل فوق قرار گرفتند:

- تحقق استقلال و حاکمیت در قلمرو رایاسپهر (سایبری) کشور، ساماندهی آن و تاراندن دشمنان و رفع سلطه آنان

- ترویج و تحقق امر به معروف و نهی از منکر در همه مصادیق معروف و منکر و در همه سطوح آن
- اعم از سطح قلبی، رفتاری و لسانی (همگانی) و عملی و قهری (انحصاراً حاکمیتی)
- عفاف و پوشش به عنوان یک موضوع هویتی و یکی از خاخریزهای اصلی نبرد ترکیبی جاری، زیرشاخه‌ای برجسته از همین شاخه محسوب می‌شود.
- ایجاد نظام جامع مالی و مالیاتی فرهنگ‌ساز، عادلانه و هادی به سمت شکوفایی ظرفیت‌ها و تولید مفید و ضد اسراف، اشرافی‌گری و نمایش تجمل
- تحول انقلابی در نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی (اعم از معلمان و اساتید، منابع و محتوا، روش‌ها، ارزشیابی و ...) و جذب و تداوم حضور نیروها مشروط به برخورداری از صلاحیت‌های مکتبی و تخصصی
- قانون جامع هویت و انسجام ملی (شامل پرچم، خط و زبان فارسی، شخصیت‌های تراز و غیره)
- رفع مصونیت نانوشته برخی افسار و اصناف، و افراد مشهور و سلبریتی در برابر قانون و مجازات متقن

علیه آن‌ها حرف بزنی می‌شوی خشونت طلب و بی‌منطق! اما آن‌ها هر غلطی
بخواهند بکنند می‌شود آزادی و مقدس!

وزارت رسمی کشور از بودجهٔ این ملت، از صدقه‌سر خانواده‌های شهدای
این ملت، کتاب کفرآمیز ترجمه کند و با بودجهٔ خودش چاپ کند! اما کتابی
که علمای حوزه می‌نویسند اجازهٔ چاپش را هم ندهد! کتابی که سراسر
کفر است، کتابی که سراسر تضعیف مبانی فکری و اعتقادی جوان‌ها است
با بودجهٔ وزارت ارشاد چاپ بشود؛ اما کتابی که عالمان حوزهٔ علمیة قم
می‌نویسند اجازهٔ چاپش را هم ندهند! این شد قدردانی از نظام مقدس
اسلامی؟! کسانی که روزگاری اگر یک نفر به اشتباه اسم آمریکا از دهانش صادر
می‌شد کافی بود که او را محکوم کنند و بدترین فحش‌ها و تهمت‌ها را نثارش
کنند، امروز داعیۀ سازش با آمریکا و تسلیم در مقابل این شیطان بزرگ را
دارند و به آن افتخار می‌کنند و این را خدمت به جامعهٔ اسلامی می‌دانند. آیا
معنی قدردانی از نظام مقدس اسلامی همین است؟!

■ سجده کنی به پیش او، عزتِ مسجِدت دهد

خدای متعال به برکت خون‌های شهدا به یک کشور و ملت گمنامی که
به‌عنوان یکی از اذنان^۱ و نوکران آمریکا شناخته می‌شد عزت و افتخاری
بخشید که وقتی رهبرش سخن می‌گفت رئیس‌جمهور آمریکا برنامه‌هایش
را قطع می‌کرد و به بیانات گوش می‌داد ببیند امام امروز چه حرف تازه‌ای
می‌زند. این عزت نیست؟ بنده خودم شخصاً شاهد عزت اسلامی بودم - تا
این چیزها را آدم نبیند نمی‌تواند درست باور کند - من زمانی قبل از پیروزی

۱- جمع دَنَب؛ دنبال‌ها، دُم‌ها، بندگان، فرومایگان

انقلاب به چند تا از کشورهای اسلامی، تأکید می‌کنم کشور اسلامی، برای کارهای فرهنگی مسافرت کردم. **مردم آن کشور از مسئولین و غیرمسئولین آن‌ها، به ما با یک نظر تحقیری نگاه می‌کردند و گاهی هم صریحاً می‌گفتند «ایرانی، اخو الیهود»!** من در بانک می‌خواستم چک نقد کنم، باور کنید وقتی می‌فهمیدند ایرانی هستم با یک نگاه تند به من نگاه می‌کردند. ما در زمان شاه، آن‌چنان ذلتی در میان کشورهای اسلامی خودمان داشتیم؛ در مقابل کشورهای غربی و اروپایی هم که دیگر ما را نوکر خودشان می‌دانستند و اصلاً ارزشی برای ما قائل نبودند.

شخص بنده بعد از انقلاب، نه اینکه چیزی که می‌گویم وسائلی^۲ داشته باشد یا دروغ باشد، در کنار کاخ سفید در واشنگتن بودم که سه نفر از این ساواکی‌های فراری از ایران، به ما توهین کردند و به دو تا افسر پلیس مستقر در آنجا شکایت کرده بود که این‌ها تروریست‌های ایران هستند. دو تا افسر ارشد پلیس آمدند و گفتند گذرنامه نشان بدهید و ما نشان دادیم؛ گفتند برای چه آمده‌اید اینجا؟ گفتم من دعوت سخنرانی داشتم در دانشگاه ویلادلفیا، حالا آمدیم اینجا گردشی بکنیم و برگردیم. گفت رشته شما چیست؟ گفتم الهیات. بسیار احترام کرد و یکی از آن‌ها گفت که من خودم هم الهیات خوانده‌ام و ای کاش فرصتی بود و مقداری با هم صحبت می‌کردیم. بعد گفت این‌که علیه شما شکایت می‌کند چه می‌گوید؟ گفتم این حرف معقولی ندارد و ما اصلاً نمی‌شناسیمش؛ بی‌جهت شروع کرده به فحاشی کردن. دو تا افسر عالی‌رتبه آمریکا، در کنار کاخ سفید، با احترام،

۱- برادر یهودیان

۲- وسائط: به جمع واسطه گفته می‌شود.

ما را مشایعت کردند، تا سوار ماشین شدیم؛ به احترام این عمامه‌ای که نشانهٔ عمامهٔ امام خمینی بود. بنده همان آدمی بودم که در کشورهای اسلامی با نظر تحقیر نگاهم می‌کردند و حاضر نبودند جواب سلامان را بدهند، آن وقت در کنار کاخ سفید آمریکا مردمی که می‌دانستند ما بیشترین اختلاف را با آن‌ها داریم این‌گونه تعظیم می‌کردند؛ البته با اشخاص معمولی آن‌ها دشمنی خاصی نداشتیم با نظام آنجا و با زورگویان و ستمگران آنجا مخالفت داریم و آلا مردم معمولی‌شان مثل ما تحت ظلم و ستم دولتمردان آنجا هستند. به هر حال آن وضع ذلت به آن وضع عزت رسید. این عزتی است که خدا به مؤمنین می‌دهد «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ»^۱

هر که در حلقهٔ ما است بود پیمانش عین لطف است اگر خاک کند پیمانش

حالا کسانی به نام شخصیت‌های سیاستمدار و کارکنان و طراح و تئوریسین^۲ در این کشور پیشنهاد می‌کنند که دست‌هایتان را در مقابل آمریکا بلند کنید، به خاک بیفتید، تسلیم بشوید و این را افتخار برای خودشان می‌دانند؛ نمی‌دانم چه تعبیری بگویم! تریبون^۳ نماز جمعه مقدس است؛ ولی خودتان می‌دانید چه باید گفت. یعنی این عزت خدایی را به خاطر هوس‌های پوچ که چند روز دیگر زنده بمانند تا به یک ریاستی برسند، لگدمال می‌کنند.

۱- حال آنکه عزت تنها از آن خدا و پیامبرش و مؤمنان است. (از سورهٔ منافقون، آیهٔ ۸) ■ از امام باقر (علیه‌السلام) روایت شده: خدای متعال به مؤمن سه خصلت ارزانی داشت: عزت در دنیا، رستگاری در آخرت، و هیبت در نظر ستمکاران؛ سپس این آیه را خواند: وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ. (الخصال، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۵۲)

۲- نظریه‌پرداز

۳- سخنگاه

در میانشان کسانی هستند که شصت‌هفتاد سال عمرشان است و پایشان لب‌گور است؛ تو دیگر دنبال چه می‌گردی؟! نادان بخت‌برگشته می‌خواهی با تسلیم‌شدن مقابل آمریکا به چه برسی؟! اینکه ما دم از عظمت نعمت انقلاب می‌زنیم برای این است که به دنبالش عظمت تکلیف را بدانیم. **اولین شرط شکر این نعمت حفظ دستاوردهای این انقلاب است که در رأس آن‌ها این شرف و عزتی است که خدای متعال به جامعه اسلامی ما داده و راضی نمی‌شود که اندکی از عظمت این شرف و این عزت کاسته بشود، به هر قیمتی که باشد.**

پروردگارا تو را به عزت و جلال خودت قسم می‌دهیم که عزت اسلام و مسلمین را روزافزون بفرما، دشمنان قسم‌خورده انقلاب را به خاک مذلت بنشان، عمال و مزدوران داخلی‌شان را رسوا بفرما، سایه مقام معظم رهبری بر سر ما مستدام بدار، ما را در انجام وظایف موفق بدار، مرگ ما را شهادت در راه خودت قرار بده.

والسلام علیکم و رحمت‌الله

متوجه نیستیم که خدای متعال چه نعمت عظیمی که نمونه‌اش را در طول تاریخ انسانیت کمتر می‌توان یافت به ما مرحمت فرموده است. هزاران پیامبر از طرف خدا آمدند برای اینکه زمینه را برای تحقق چنین جامعه‌ای فراهم کنند؛ ولی برای آن‌ها چنین توفیقی حاصل نشد. یک نمونه کوچکی را ما فقط در قرآن سراغ داریم و از آن یاد می‌کنیم حکومت حضرت سلیمان (علی نبینا و آله و علیه السلام) است و گرنه در داستان‌هایی که قرآن از انبیا، از سلاطین، از اقوام مختلف آورده هیچ کجا چنین پدیده الهی و عظیمی که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران قابل مقایسه باشد وجود ندارد. شاید بعضی، این عرایض را حمل بر مبالغه کنند؛ ولی بنده در پیشگاه این انقلاب شرمنده‌ام که زبان بیان عظمت این رخداد الهی را ندارم.

علامه مصباح یزدی (ره)



@geraa_ir



سازمان
مطالعه
دانشجویی
معاونت سیاست‌ورزی